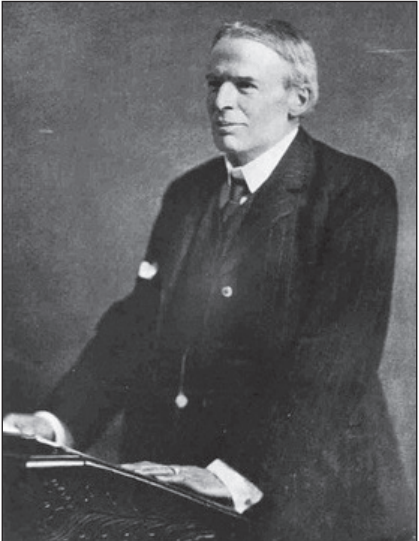


نگاه **فاطمه موسوی**؛ تاریخ‌پژوه

وزارت مستعمرات انگلستان و تاریخ‌سازی برای بهائیت

براون و بهائیت روایت یک پیوند

نخستین تلاش‌های دولت انگلیس در زمینه تاریخ‌نگاری بابیه و بهائیه، توسط عوامل نفوذی این کشور در کمیاتی هند شرقی انجام گرفت. یکی از این افراد «مانگی لیمچی هاتریا» بود که در پوشش نماینده انجمن پارسیان هند، در ایران انجام مأموریت می‌کرد. منابع بهایی با افتخار از دوستی و روابط وی با حسین‌علی بهاء پاد می‌کنند: «مانگی صاحب، هنگام اقامت حضرت بهاءالله در بغداد، به دیدار ایشان فاژ شد و پس از چندین سال نامه‌ای به عکا برای ایشان نگاشت...». مانگی سال‌ها میرزا ابوالفضل گلیایگانی (نویسنده و مبلغ مشهور بهایی) را، منشی مخصوص تجارخانه خود کرد و همچنین در مدرسه‌ای که بنیاد نهاده بود، به معلمی برگماشت. علاوه بر این، میرزا حسین همدانی را به تصحیح و بازنویسی کتاب میرزا جانی کاشانی بایی، در مورد تاریخ بابیه واداشت. حضور عناصر بهایی نظیر ابوالفضل گلیایگانی و میرزا حسین همدانی در دستگاه مانگی که از جمله مبلغین طراز اول بهائیت به‌شمار می‌رفتند، باعث سهولت انجام کار شد. ابوالفضل گلیایگانی در رساله اسکندریه، شرح مبسوطی از فعالیت‌های مانگی و عناصر بهایی در همدانی) و محمد اسماعیل خان زند که در پارسی‌نگاری دبیری هنرمند بود، هممان مانگی‌جی بودند. مانگی از آن دو خواهر شد که هر یک کتابی تصنیف نمایند. زیرا که او در جمع کتب سعی بلیغ داشت و هر که را قادر بر انشاء و تحریر می‌یافت، به تألیف کتابی و انشاء مَقَری می‌گماشت. لذا در شب مذکور از محمداسماعیل‌خان خواهش نمود که او تاریخ پادشاهان عجم را بنگارد و از میرزا حسین ممتنی شد که وی تاریخ حالات بابیه را تصنیف نماید و خلاصه القول محمداسماعیل‌خان کتاب فرازستان را به زبان فارسی‌خالص، در سلطنت قدیم ایران از آغاز مهاباد تا انقراض ساسانیان پرداخت و در حقیقت آن کتاب را اثباتی از اوام و افسانه‌های شاهنامه و چهار چمن و ستادسیر ساخته...» (میرزا حسین همدانی) دفتر اول در ظهور نقطه اولی علی محمد باب] و در دفتر ثانی در حوادث طلوع اقدس ابهی [حسینعلی نوری]، اما پس از ختم دفتر اول اجل مهلتش نداد و در سنه ۱۲۹۶ ق، در شهر رشت وفات یافت. لیکن مانگی گفتگداشت که آن تاریخ بدان گونه که نامه‌نگار گفته بود، انجام یابد بلکه مورخ مذکور را بر آن داشت که آنچه او گوید بنگار...»



ادوارد براون

براون در سال ۱۸۸۷م، به ایران سفر کرد و مدت یک‌سال در شهرهای یزد، کرمان و تهران اقامت گزید. او در سفرش به ایران، به تحقیق و پژوهش در مورد تاریخ و عقاید بابیه پرداخت و اطلاعات فراوانی را در این باره به‌دست آورد. این همان مطلبی است که براون در کتاب یک سال در میان ایرانیان، به آن اذعان می‌کند: «در مدت اقامتم در تهران، من خیلی برای فهم افکار و علوم ایرانی‌ها کنجکاوی کردم و نیز خیلی کوشیدم که بفهمم بابی‌ها چه می‌گویند...»

علاوه بر تلاش‌های مأموران کمپانی هند شرقی، نفوذ دیگر عوامل انگلیس که از طرف وزارت مستعمرات انگلیس، در لباس خاورشناس به تقویت و نشر آثار بابیه و بهائیه پرداختند را نباید نادیده گرفت. در این بیسن تلاش‌های ادوارد براون، بیش از دیگران حائز اهمیت است. براون در سال ۱۸۸۷ م، به ایران سفر کرد و مدت یک‌سال در شهرهای یزد، کرمان و تهران اقامت گزید. او در سفرش به ایران، به تحقیق و پژوهش در مورد تاریخ و عقاید بابیه پرداخت و اطلاعات فراوانی را در این باره به‌دست آورد.این همان مطلبی است که براون در کتاب یک سنال در میان ایرانیان، به آن اذعان می‌کند: «در مدت اقامتم در تهران، من خیلی برای فهم افکار و علوم ایرانی‌ها کنجکاوی کردم و نیز خیلی کوشیدم که بفهمم بابی‌ها چه می‌گویند...». «فؤاد فاروقی» تنها ۱۲ روز در سفرنامه‌ها، هدف براون را از مسافرت به ایران، شناخت مذاهب غیر قانونی و مطرود بایی و بهایی دانسته‌است. ادوارد براون برای تکمیل تحقیقاتش به عکا و قبرس نیز سفر کرد و به‌علاوه با یکی سیخ آل و میرزا حسینعلی (بهاءالله)، ملاقات کرد و به گردآوری رسالات، اسناد و اوراق مربوط به این طایفه مشغول شد. از جمله کتاب‌هایی که براون بعد از سفر قبرس و عکا به نشر آن پرداخت، کتاب نقطه‌الکاف و مقدمه شخصی سیاح است. استناد طباطبایی، براون را نویسنده مقدمه نقطه‌الکاف نمی‌داند و از فرد دیگری به‌عنوان کاتب مقدمه نام می‌برد: «عبارت مقدمه نقطه‌الکاف چاپی، چنان‌که از خود مرحوم شیخ محمد خان قزوینی شنیدم، کار آن مرحوم، ولی جمع‌آوری اسناد و مدارک مربوط، کار پروفیسور براون و در حقیقت عملی مشترک بوده‌است...»



آزادی فتنه‌ای خاموش‌نشدنی است!

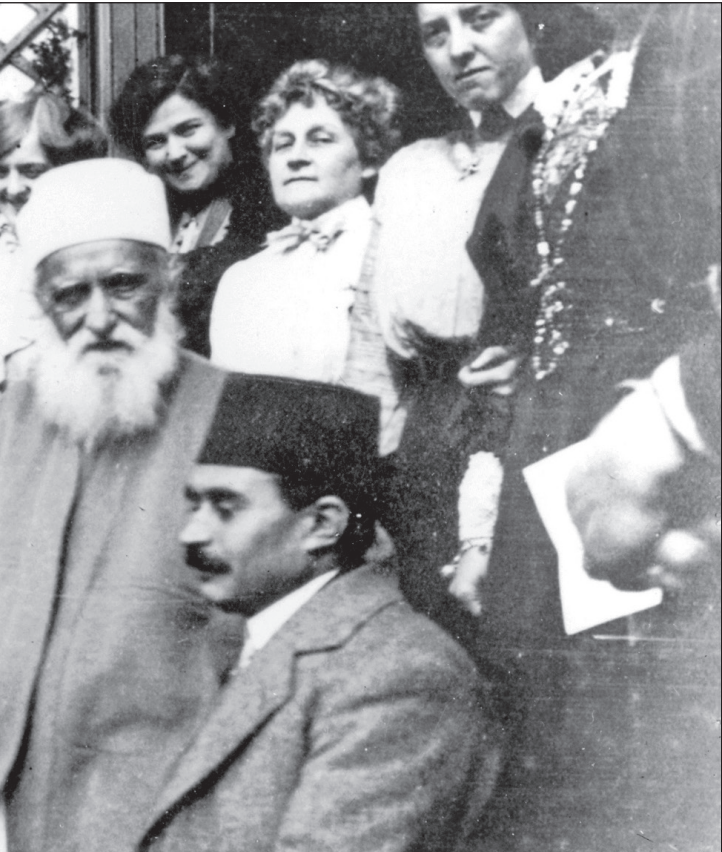
راستی آزمایی شعار آزادی، در عملکرد فرقه بهائیت

مریم صادقی‌پری
روزنامه‌نگار

آزادی مفهومی است که در مکتب‌های مختلف و جریان‌های سیاسی، تعاریف و تفاسیر گوناگونی از آن شده‌است. در این میان جریان بهائیت، آزادی را مساوی با پیروی از اوامر خود می‌داند و با وجود آنکه رهبران آن، پیروان خود را از آزادی خواهی نهی و آن را مساوی با حیوانیت قلمداد کرده‌اند، اما با پیروزی انقلاب اسلامی، این مفهوم را به مثابه ابزاری برای مقابله با آن برگزیده‌اند. این تشکیلات به بهانه‌های مختلف، مانند انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۳۸۸، افزایش قیمت بنزین در سال ۱۳۹۸ و فوت مهسا امینی، به نام آزادی، مردم ایران را دعوت به اغتشاش کرده‌است. در این مقال گوشه‌ای از نظرات و عملکرد این جریان را در حول و حوش موضوع و کلمه «آزادی» موروداکاوی قرار داده‌ایم.

مفهوم‌شناسی آزادی، از زبان رهبران بهایی
حسینعلی نوری معروف به‌بهاءالله که مؤسس بهائیت است، آزادی‌خواهی را به آتش فتنه‌ای خاموش‌نشدنی تشبیه و مظاهر آن را حیوانی و فریبکارانه می‌داند که منجر به خروج انسان از دایره وقار و ادب می‌شود: «قطعا عواقب آزادی به فتنه و آشوبی ختم می‌شود که آتش آن فرورنی‌نشیند، بنایدکه به مظاهر آزادی، اطلاع آزادی، نتایج آن حیوانی است و سزاوار است انسان بیروست‌هایی باشد که از گمراهی بجانش دهد و به فریبکاران زبان رساند.قطعا آزادی،انسان را از جایگاه‌ادب و مناعت خارج می‌کند و او را از فرومایگان قرار می‌دهد...»^[۱] او پیروی از اوامر خود را مصداق آزادی معرفی می‌کند: «بگو آزادی در پیروی از فرمان‌های ماست، اگر شما از عارقین نباشید، اگر مردم پیروی کنند، آنچه را که مسا نازل کردیم برای ایشان از آسمان وحی، را اینه خود را در آزادی محض خواهند یافت، خوشا به حال کسی که مراد خدا را دانست، در آنچه نازل شد از آسمان خواست مسلط بر جهانیان...»^[۲]

بعد از مرگ حسینعلی نوری، جانشینان او به فراخور زمانه و منافع‌شان، تفاسیر مختلفی از آزادی ارائه دادند. یکی از معاصرین عبدالبهاء، سیدحسن تقی‌زاده، نکات قابل توجهی را از دیدارهای خود با افندی بیان می‌دارد. او در سال ۱۲۹۰ در پاریس، ملاقاتی را با رهبر دوم بهائیت‌داشته‌است که طی آن، ضمن توصیف خانه پر تجمل افندی، نظر وی در مورد آزادی و اعتراف وی در مورد اینکه منافع‌شان با آزادی تأمین نمی‌شود را بیان می‌دارد: «ما صواا آزادی را دوست داریم، برای اینکه معنی از تعم الهی است و نزد خدا مطلوب است، ولی نه برای اینکه آزادی به پیشرفت و انتشار امر ماکمک می‌کند، بلکه بالعکس، امر مادر محیط غیرآزاد بهتر پیشرفت می‌نماید...»^[۳] همانطور که افندی اذعان می‌کند، امر بهائیت در محیط غیرآزاد، به نحو مطلوب‌تری رشد می‌کند و به همین دلیل در دوران دیکتاتوری رضاخان و پسرش محمدرضا، آنان وضعیت مطلوبی در ایران داشتند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، فتنه‌ها به ناآهنگد دفاع آزادی شدا طوری که تشکیلات بهائیت به نمایندگی از اسرائیل و آمریکا، با علم کردن شعارهایی چون دفاع از حقوق بشر، دفاع از اقلیت‌ها و آزادی و حقوق زنان، قطعنامه‌های بسیاری را علیه ایران در سازمان‌های بین‌المللی به تصویب رسانده و با استفاده از اهرم رسانه، به ایجاد شبهه و ترویج تفکرات خود در میان ایرانیان اقدام کرده‌اند. به گفته افراد نجات یافته از این جریان، تشکیلات بهائیت، تنها ۱۲ روز پس از شکل‌گیری حکومت منتخب مردم در ایران، دشمنی خود را با آن آغاز کرد؛ آنان در وقایع دهه‌های گذشته نیز، چون فتنه ۱۳۸۸، اغتشاشات آبان ۱۳۹۸ و اغتشاشات ۴ماه اخیر، سخن‌پرکنی‌های بسیاری کرده‌اند، برای نمونه در فتنه ۸۸، دستوراتی که از

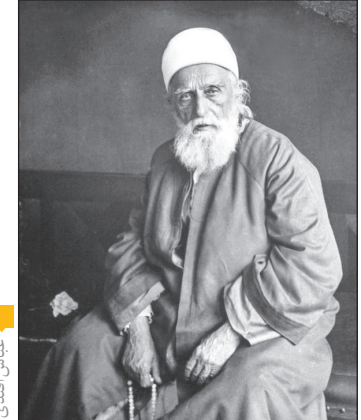


آزادی فتنه‌ای خاموش‌نشدنی است!

راستی آزمایی شعار آزادی، در عملکرد فرقه بهائیت

طرف بیت‌العدل برای آنها صادر شد، به شکل علنی وارد میدان شدند. در زمان اعتراض مردم به گرانی بنزین (پاییز ۹۸)، تشکیلات بهائیت باال سال پیام‌های تحریک‌آمیز، در حقیقت ضمن ایراد انتقادات صریح به ساختار و اساس جمهوری اسلامی، خواستار بی‌تفاوت نبودن بهائیان و همراهی با جریانات برانداز شدند. در جریان اغتشاشات شهریور و مهر ۱۴۰۱، یکی از بیخ‌های تشکیلات بهائیت، با انتشار پستی از زنی سر برهنه و ایستاده بر پر آزادی، اغتشاشگران را به تلاش برای آزادی ایران فراخواند.^[۴]مرضی اسماعیل‌پور فعال رساله‌های بهائیت، به بهانه در گذشت مهسا امینی، با انتشار ویدئویی از خود در فضای مجازی، مردم ایران را به اعتراضات سراسری فراخواند. او در پیام خود ۱۳صل مبارزاتی علیه جمهوری اسلامی را خرابکاری شُررافتمندانه، دفاع مشروع و ایجاد ترفیق در خیابان‌ها اعلام کرد!^[۵]لذا عناصر بهائی که در فتنه‌های گذشته نیز نقش لیدری آشوب‌ها و جریان‌های برانداز در برخی نقاط کشور را به‌عهده داشتند، سعی کر دند تا عناصر وابسته به خود را، بار دیگر به صف براندازان بیفزایند. طبق گزارش رسمی وزارت اطلاعات، تاکنون ۱۳فر از عناصر سر کرده این جریان دستگیر شده‌اند. در ادامه برای روشن‌تر شدن مفهوم آزادی در فرقه بهائیت، بازتاب شعار آزادی از سوی این فرقه را در ۱۲بخش عقیده و بیان، در کارنامه این تشکیلات مورد بازخوانی قراری دهیم.

ممنوعیت نشر حقیقت در تشکیلات بهائیت
با وجود اینکه در تعالیم بهائیت، اصلی به نام نیل به حقیقت وجود دارد و رهبران بهایی همواره عنوان می‌کنند که‌ه از امور بدیهی برای نیل به حقیقت، دست‌رنسی به مطالب صحیح و واقعی‌س در هر امری است اما بسیاری از روایات تاریخی دست اول بابی و بهائیی، به سفارش و تأیید بیت‌العدل حذف و سانسور می‌شود که حتی اعتراض برخی از بهائیان رانیز در پی داشته‌است. برای نمونه دکتر خوان‌ریکار کول، استاد محقق علوم اسلامی و تاریخ خاورمیانه، نسبت به ممنوعیت بیت‌العدل از چاپ کتاب خاطرات روزانه آرایشگر مخصوص بهاءالله و از نزدیکان او، که حاوی حقایقی در مورد بهائیت بود، اعتراض می‌کند. وی در نامه‌ای به بیت‌العدل در ۹ژانویه ۱۹۸۳ (۱۳۶۱) می‌نویسد: «من بر این عقیده‌ام که سیاست اتخاذ شده از سوی بیت‌العدل جهانی، خط‌مشی زاینبار و مصیبت‌باری است و گذشتت زمان، غلط بودن آن را اثبات خواهد کرد. اطمینان دارم که در آن زمان، آن مرجع عالی، بر اساس اطلاعات و ملاحظات آتی خود، سیاست کنونی را کنار خواهد زد. عمیقاً عقیده دارم که حذف قسمتی از یک متن، اصل یا ترجمه، آن وقتاً یا دائمی، اقدام غیرصادقانه است. همچنین احساس می‌کنم کم‌مناعت یک مؤسسه و نهاد عمومی از دست‌رنسی عموم مردم و محققان به استناد و اطلاعات بیش از ۲۰سال، به لحاظ اخلاقی غلط و ناصحیح است...»^[۶]از سوی دیگر بهائیان با نویسندگانی که در پی‌نویس بودند و به نگارش تاریخ و عملکرد این جریان می‌پرداختند، به شیوه‌ای خشونت‌آمیز برخورد می‌کنند. مواجهه عباس افندی با میرزا مهدی خان زعیم‌الدوله تبریزی، نویسنده کتاب «مفتاح باب‌الابواب» به، به شکل تهدید و تطمیع وی بود. به‌طوری‌که عباس افندی در مقابل تلاش‌های ابوالفضل گلیایگانی، مبلغ بهائیت برای نوشتن جوابیه‌ای بر این کتاب، مخالفت کرد و مدتی بعد زعیم‌الدوله به‌طور مشکوکی از دنیا رفت.^[۷]



در بهائیت همه تعلیمات زیبا، تنها در حد یک شعار است

اقراری که در خانواده‌های بهایی بزرگ شده یا تحت‌تلیغات این فرقه قرار گرفته و دوره‌های کلاس‌های آن را سپری کرده‌اند، باید تسجیل شوند. تسجیل شدن در واقع نوع تظاهر به آزادی انتخاب است، چون هیچ جوانی که در خانواده‌های بسیاری رده‌ده، جرأت ندارد بگوید من نمی‌خواهم بهایی بشوم

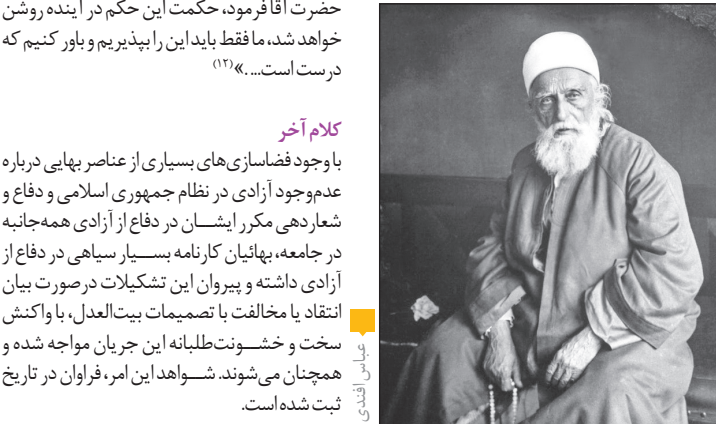


آزادی فتنه‌ای خاموش‌نشدنی است!

راستی آزمایی شعار آزادی، در عملکرد فرقه بهائیت

و در صورت سرپیچی از این دستور، به‌طور کامل با یک وتو از همه رانده می‌شود و این فشار آنقدر ادامه پیدا می‌کند تا جوان‌بالاخره سر تعلیم فرودبیاورد.امتناز روفی، از اعضای برگشته تشکیلات بهائیت، در این خصوص در خاطر‌اتش می‌نویسد: «در بین بهائیان با دختران و پسرای آشناشدم که حاضر نبودند تسجیل شوند. مسئولیت همه ما در قبال چنین مواردی این بود که آنها را به تسجیل شدن تشویق کنیم و به حدی عرصه را به آنان تنگ می‌کردیم که دیگر راهی جز تسلیم نداشتند اما این اجبارها به حدی ماهرانه انجام می‌شد، که قابل تشخیص نبود. آنها به‌شدت معترض بودند که در بهائیت، همه تعلیمات زیبا فقط یک شعار است و این دروغ محض است که بهائیان مختارند که در ۱۵سالگی دین خود را انتخاب کنند...»^[۸] فضل‌الله مهدی (صبحی) که سال‌ها از نزدیک شاهد رفتارها و عملکرد رهبران جریان بهائیت بود، اطاعت کورکورانه را رمز موفقیت بشری می‌داند که به جرگه بهائیت پیوسته‌اند: «هر کسی اطاعت کورکورانه نداشت، طرد می‌شد و مصیبت او آغاز می‌شد؛ زیرا در یک پایکوت شدید قرار می‌گرفت. کسی که توسط بهائیان مطرود می‌شد، به حال خود گذاشته نمی‌شد، حتی توسط خانواده‌اش، پدر و مادر و بستگانش هم مورد تحریم واقع می‌شد. هیچ‌کس حق رفتار آمد و صحبت با وی را نداشت، جز برای ثواب که دشنامی دهند و آب دهانی نندازند...»^[۹] فاطمه محبتی یکی دیگر از بهائیان بازگشته، در مورد رفتارهای تشکیلات بهائیت، در مورد افرادی که قصد خروج از این جریان را دارند، به نکات درخور توجهی اشاره می‌کند: «در ابتدای امر برای جذب فرد خارج‌شده، با محبت و سازش صحبت می‌کنند و با وعده‌های دروغین سعی در بازگرداندن فرد دارند اما در صورت عدم تحقق این امر با شکنجه‌های روحی و تهدید، فرد را مورد آزار و اذیت قرار می‌دهند... زمانی که خانواده من در از این موضوع شدند برادرم برای نابودی من سعی در از بین‌بردن من کرد که خوشبختانه موفق به انجام این کار نشد... آزادی بیان در این تشکیلات تنها در حد شعار و پوچ خیالی است...»^[۱۰]

بیت‌العدل جهانی جای زن‌ها نیست!
فرقه بهائیتست در حالی خود را مدافع حقوق زنان معرفی می‌کند که حتی بعد از دهه‌سال از تأسیس بیت‌العدل، حتی یک‌زن در میان اعضای اصلی آن دیده نمی‌شود؛ بالاترین مؤسسه و نهاد بهائیان، بیت‌العدل است که منحصر به مردان است و تمام اعضای آن از زمان تأسیس تا به امروز، همگی مرد بوده‌اند. شوقی افندی، جانشین عباس افندی در پاسخ به سؤال افراد بهایی در مورد علت عدم حضور زنان در بیت‌العدل در نامه‌ای می‌نویسد: «در باره عضویت در بیت‌العدل جهانی، عبدالبهاء در لوحی اظهار داشته که عضویت در آن، منحصر به مردان است و حکمت عدم حضور زنان در بیت‌العدل جهانی در آینده روشن خواهد شد. ما بیان دیگری جز این نداریم...» وی در جای دیگری می‌نویسد: «مردم باید‌به‌پذیرند که زنان از بیت‌العدل جهانی ندارند، همانطور که حضرت آقا فرود، حکمت این حکم در آینده روشن خواهد شد، ما فقط باید این را بپذیریم و باور کنیم که درست است...»^[۱۱]



با وجود فضاسازی‌های عناصر بهایی درباره عدم وجود آزادی در نظام جمهوری اسلامی و دفاع و شعاردهی مکرر ایشان در دفاع از آزادی همه‌جانبه در جامعه، بهائیان کارنامه بسیار سیاهی در دفاع از آزادی داشته و پیروان این تشکیلات در صورت بیان انتقاد یا واکنش سخت و خشونت طلبانه

در بهائیت همه تعلیمات زیبا، تنها در حد یک شعار است
حسینعلی نوری، اقدس، نسخه‌الکتر و نیک، صن ۱۱۷-۱۱۶، بند: ۱۲۲
۲- همان
۳- ماهنامه یادگار، خرداد ۱۳۲۵، به کوشش علامه محمد قزوینی
۴- به نقل از یکی بیخ‌های اینستاگرامی تشکیلات بهائیت
۵- به نقل از حساب کاربری مریم‌عی اسماعیل‌پور
۶- سانسور در جامعه بهائی، (http://misaqhaabd.org)
۷- روح‌الله مهربانتاجی، شرح احوال جناب میرزا ابوالفضل گلیایگانی، بی‌جا، مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۳۲۱، بدع، صص ۲۴-۳۴
۸- مهناز رتوفی، نیمه پنهان، فریب، تهران، انتشارات کیان، ۱۳۸۴، صص ۲۰۲
۹- خاطرات زندگی صبحی و تاریخ بایگبری و بهائینگری، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۶، صص ۴۲
۱۰- «آزادی بیان» در بهائیت تنها در حد شعار است/اهدایت بهائیت از سوی اسرائیلی‌ها، خبرگزاری تسنیم، ۱۴آبان ۱۳۹۳
۱۱- گفت‌وگو با بهزاد جانتگری، برگرفته از بهائیت، http://bhahiresearch.org/
۱۲- آنتونی لی و دیگران، در چشمه حمید فرناق، خدمت زنان در مؤسسات بهایی، فصلنامه فرهنگی، اجتماعی بهایی‌شناسی، شماره ۵، زمستان ۱۳۹۶، صص، ۱۷۸

تاریخ

تاریخ اسلام

تحولات فکری حوزه علمیه قم



کتاب «تحولات فکری حوزه علمیه قسم ۱۳۵۷-۱۳۰۱») تألیف مرجان برهانی و حجت‌الله‌علی‌محمدی همزمان با یکصدمین سال بازتاسیس حوزه علمیه قم، از سوی انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی چاپ و منتشر شده‌است. مستثنه اصلی این کتاب مطالعه و بررسی هر یک از مقاطع مربوط به حوزه علمیه قم از ۱۳۰۰ تا ۱۳۵۷شمسی با محوریت زعمای حوزه به‌منظور نشان دادن تحولات آن است. کتاب در ۵ فصل تألیف و در ابتدای هر فصل ضمن اشاره به زندگی‌نامه زعمای حوزه در آن مقطع، تحولات سیاسی، فرهنگی و اقتصادی حوزه علمیه قم بررسی شده‌است. در فصل اول به تفصیل تاریخچه حوزه علمیه در جهان اسلام مورد بررسی علمیه قم در دوره شیخ مؤسس» را بررسی می‌کند. در فصل سوم «تحولات حوزه علمیه قم در دوره مراجع ثلاث» مورد بررسی قرار گرفته و در فصل چهارم به تحولات حوزه علمیه قم در دوره زعامت آیت‌الله‌العظمی بروجردی پرداخته‌است. در فصل پنجم «تحولات حوزه علمیه قسم در دوره نهضت امام‌خمینی(ره)» بررسی شده‌است. حوزه قم در دوره نهضت، به رشدی قابل توجه دست یافت. در این دوره، فکر و اندیشه طلاب و فضلا، تحت تأثیر نگاه تحول‌گرای امام خمینی (ره) قرار گرفت و پس از تبعید ایشان، شاگردانش این مسیر را پی گرفتند. حوزه علمیه قم که روزگاری با هدف اهتمام به امور دینی تأسیس و سپس احیا شده بود، توانست منشأ تحولی عظیم در کشور قرار گیرد و سیر تحولات سیاسی و اجتماعی را به‌گونه‌ای دیگر رقم زند.

عباس افندی در کنار جمعی از پیروان و نظریه‌پردازان خویش

تاریخ پایداری

دار زن

کتاب «دار زن» زندگی‌نامه داستانی اصغر اقلیدی از روزهای انقلاب اسلامی تا اسارت در زندان‌های حزب کومله به قلم طاهر کوهکن از سوی انتشارات شهید کاظمی منتشر شده‌است. این اثر روایت زندگی اصغر اقلیدی، زندگی‌ای که سال

۶۲ مانند خط‌کش، به دو قسمت تقسیمش کرد. بخش اول، مربوط می‌شود به حوادث جورواجور سیوند در قبل از انقلاب و تلاش‌های اصغر به همراه پدر و برادرش برای گذران زندگی‌شان در برابر ظلم‌هایی که از طرف مالک و جنگل‌بانی به آنها تحمیل می‌شد. بعد هم رفتن او به جبهه و جانبازی و گذراندن دوره تکواری، بخش دوم در جبهه شمال غرب دور می‌زند.ان شهرهای کوهستانی و پر پیچ‌وخم که زمانی محل جولان گروهک‌های کومله و دمکرات بود که می‌خواستند به هر شکلی که می‌توانند به‌نظام جمهوری اسلامی ایران ضربه بزنند. اصغر به همراه کلاس‌بها، سینه‌به‌سینه گروهک‌ها ایستاد. اما در یکی از مأموریت‌ها به‌خاطر لو رفتن عملیات، با باقی مانده گردان، ناچار به تسلیم شدند. بخش دوم از اینجا به اسارت اصغر توسط گروهک‌های کومله شروع می‌شود. خاطرات این بخش در زندان‌های دوله‌تو و آلوآتان، شکل می‌گیرد. در بخشی از کتاب می‌خوانیم: «از بغل دایی جدا شدم. چه بر سر قیافه‌ام آمد بود که سرگول به‌اشک‌هایم هم توجهی نمی‌کردند. به طلسمی سرم کشیدند و به سرگول نزدیک شدم. دوست داشتم بغلش کنم ولی ترسیدم داد و بیداد راه بیندازد. چه طوری باید بهش ثابت می‌کردم من برادرت هستم!»

تاریخ شفاهی

ما هم جنگیدیم

کتاب «ما هم جنگیدیم» روایت زنان ملارد از پشتیبانی دفاع مقدس، با پژوهش و مصاحبه محمدهمدی رحیمی و نگارش نرجس توکلی لشکجانی، پنجمین کتاب در بخش «پشتیبانی جنگ» و دوازدهمین اثر در بخش «زنان انقلاب» در واحد «تاریخ شفاهی» است که از سوی انتشارات راه‌یار چاپ و منتشر شده‌است. روایت‌های این کتاب خاطرات واقعی زنانی است که با مدیریت شمس‌ی خانم اتفاق زیبایی را در جنگ تحمیلی رقم زدند؛ اتفاق مبارکی که نه می‌شود آن را با هزار بنه‌های کلان دولتی به‌دست آورد و نه زور و اجبار. روایت‌هایی که مخاطب می‌خواند، برگ‌های سپیدی در تاریخ دفاع مقدس این مملکت است؛ همین قدر پاک و بی‌الایش؛ مثل خود این زنان روستایی و نوع زندگی ساده‌شان. شمس‌ی خانم از دوران جوانی ا قیل از انقلاب، خانه‌اش را کرده بود کلاس قرآن برای زنان و کودک‌ان روستایش، ملارد. چون سخنران‌های سیاسی به جلسه دعوت می‌کرد، ساواک خانه را زیر نظر گرفته بود. با شروع انقلاب با هم‌ان حلقه منسجم خانم‌های کلاس قرآن، نخستین راهپیمایی ملارد را شکل داد و در دوران جنگ هم با مدیریت او، روستا شد یکی از مراکز مهم پشتیبانی جنگ. کامیون آمیون نان و مربا و ترش‌سوی و خاکشیر و ماست بود که از ملارد راهی جبهه می‌شد... در بخشی از مقدمه کتاب می‌خوانیم: «شاید امروزه برای ما که درگیر این دنیای پیچیده و پرشتاب هستیم، باورش سخت باشد این حجم از فداکاری و ایثار زنی که نیاز زمامه خود را کردند و آتش‌پاختیار، با تمام توان آنچه را که تکلیف خود دانسته بودند، انجام دادند؛ تکلیفی که حاصل هويتي جدید بود...»